

## پولس و سیلاس در تosalوونیکی

و از آمفیپولس و آپلُونیه گذشته، به تosalوونیکی رسیدند که در آنجا کنیسه یهود بود. پس پولس بر حسب عادت خود، نزد ایشان داخل شده، در سه شب با ایشان از کتاب مباحثه می‌کرد و واضح و مبین می‌ساخت که لازم بود مسیح رحمت بیند و از مردگان برخیزد و عیسی که خبر او را به شما می‌دهم، این مسیح است. و بعضی از ایشان قبول کردند و با پولس و سیلاس متحد شدند و از یونانیان خداترس، گروهی عظیم و از زنان شریف، عددی کثیر. اما یهودیان بی‌ایمان حسد برده، چند نفر اشرار از بازاریها را برداشته، خلق را جمع کرده، شهر را به شورش آوردند و به خانه یاسون تاخته، خواستند ایشان را در میان مردم بیرند. <sup>6</sup> چون ایشان را نیافرند، یاسون و چند برادر را نزد حکام شهر کشیدند و ندا می‌کردند که آنانی که ربع مسکون را شورانیده‌اند، حال بدینجا نیز آمده‌اند. و یاسون ایشان را پذیرفته است و همه اینها برخلاف احکام قیصر عمل می‌کنند و قایل بر این هستند که پادشاهی دیگر هست، یعنی عیسی. پس خلق و حکام شهر را از شنیدن این سخنان مضطرب ساختند <sup>9</sup> و از یاسون و دیگران کفالت گرفته، ایشان را رها کردند.

## پولس و سیلاس در بیریه

اما برادران بی‌درنگ در شب پولس و سیلاس را به سوی بیریه روانه کردند و ایشان بدانجا رسیده، به کنیسه یهود درآمدند. <sup>11</sup> و اینها از اهل تosalوونیکی نجیبتر بودند، چونکه در کمال رضامندی کلام را پذیرفتد و هر روز کتب را تفتیش می‌نمودند که آیا این همچنین است. <sup>12</sup> پس بسیاری از ایشان ایمان آوردند و از زنان شریف یونانیه و از مردان، جمعی عظیم. <sup>13</sup> لیکن چون یهودیان تosalوونیکی فهمیدند که پولس در بیریه نیز به کلام خدا موعظه می‌کند، در آنجا هم رفته، خلق را شورانیدند. <sup>14</sup> در ساعت برادران پولس را به سوی دریا روانه کردند ولی سیلاس با تیموراؤس در آنجا توقف نمودند. <sup>15</sup> و رهنمایان پولس او را به آتن آوردند و حکم برای سیلاس و تیموراؤس گرفته که به زودی هر چه تمامتر به نزد او آیند، روانه شدند.

## پولس در آتن

اما چون پولس در آتن انتظار ایشان را می‌کشید،

## بولس و سیلاس در تosalوونیکی

<sup>1</sup> فاجئاراً في أمفيبوليس وأبولوبيه وأتي إلى تصالونيكى حيئن كان مجتمع اليهود. <sup>2</sup> فدخل بولس إلىهم خمسة عادته وكان يجاجهم ثلاثة سوٽ من الكتاب موصحاً ومبيضاً الله كان يتبعني أن المسيح يتألم ويقوم من الأموات، وأن هذا هو المسيح يسوع الذي أنا أنادي لكم به. <sup>4</sup> فافتتح قوم منهم واخذوا إلى بولس وسيلا ومن اليونانيين المتعبدين حمّهور كثير ومن النساء المتقدمات عدّ ليس يقليل. <sup>5</sup> فغار اليهود غير المؤمنين وأخذوا رجالاً أسراراً من أهل السوق وجمعوا وسجسوا المدينة وقاموا على بيت ياسون طالبين أن يحصروهما إلى الشعف. <sup>6</sup> ولما لم يجدوهما جروا ياسون وأناساً من الإخوة إلى حكام المدينة صارخين: إن هؤلاء الذين قتلوا المسكونة حصرروا إلى قهقاً أصباً، <sup>7</sup> وقد قيل لهم ياسون، وهؤلاء كلهم يعلمون ضد أحكام قيصر قائلين: إله يوجد ملك آخر، يسوع. <sup>8</sup> فارجعوا الجميع وحكام المدينة إذ سمعوا هذا، فأخذوا كفالاً من ياسون ومن الباقيين ثم أطلقوهم.

## بولس و سیلاس في بیریه

<sup>10</sup> وأما الإخوة قليلوت أرسلوا بولس وسيلا ليلاً إلى بيريه، وهما لما وصلاً مصياً إلى مجمع اليهود. وكان هؤلاء أشرف من الذين في تصالونيكى فقبلوا الكلمة بكل شساطٍ فاحصبن الكتاب كل يوم، قل هذه الأمور هكذا. <sup>12</sup> فآمن منهم كثرون ومن النساء اليونانيات الشريفات ومن الرجال عدّ ليس يقليل.

<sup>13</sup> كلما علم اليهود الذين من تصالونيكى الله في بيريه أيضاً تآدى بولس بكلمة الله، جاءوا يهتفون الجموع هناك أيضاً. <sup>14</sup> فجيئ أرسل الإخوة بولس للوقت ليذهب كما إلى البخر، وأما سيلا وتيموراؤس فبقاء هناك. <sup>15</sup> والذين صاحبوا بولس جاءوا به إلى أثينا، ولما أخذوا وصييأ إلى سيلا وتيموراؤس أن يأتينا إليه يأسري ما يمكن، مصوا.

## الرسول بولس في أثينا

<sup>16</sup> وبينما بولس يسيطرهما في أثينا أحذث روحه فيه إذ رأى المدينة مملوءة أصناماً. <sup>17</sup> فكان يكلم في المجمع اليهود المتعبدين والذين يتصادفوته في السوق كل يوم. <sup>18</sup> فقابلة قوم من الفلسفية الأبيكورين والرؤاقين وقال بعض: ترى ماداً يريده هذا المهدأ؟ أن يقول؟

روح او در اندرونیش مضطرب گشت چون دید که شهر از بتها پر است.<sup>17</sup> پس در کنیسه با یهودیان و خدابیرستان و در بازار، هر روزه با هر که ملاقات می‌کرد، مباحثه می‌نمود. <sup>18</sup> اما بعضی از فلاسفه اپیکوریین و رواقیین با او روپرو شده، بعضی می‌گفتند: این یاوه‌گو چه می‌خواهد بگوید؟ و دیگران گفتند: ظاهراً واعظ به خدایان غریب است. زیرا که ایشان را به عیسی و قیامت بشارت می‌داد. <sup>19</sup> پس او را گرفته، به کوه مریخ برداشت و گفتند: آیا می‌توانیم یافت که این تعلیم تازه‌ای که تو می‌گویی چیست؟<sup>20</sup> چونکه سخنان غریب به گوش ما می‌رسانی. پس می‌خواهیم بدایم از اینها چه مقصود است.<sup>21</sup> اما جمیع اهل آتنی و غربی ساکن آنجا جز برای گفت و شنید درباره چیزهای تازه فراغتی نمی‌داشتند.

<sup>22</sup> پس پولس در وسط کوه مریخ ایستاده، گفت: ای مردان آطینا، شما را از هر جهت بسیار دیندار یافته‌ام، زیرا چون سیر کرده، معابد شما را ناظره می‌نمودم، مذبحی یافتتم که بر آن، نام خدای ناشناخته نوشته بود. پس آنجه را شما ناشناخته می‌پرسید، من به شما اعلام می‌نمایم. <sup>24</sup> خدایی که جهان و آنجه در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است، در هیکلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد و از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد، بلکه خود به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها می‌بخشد.<sup>26</sup> و هر امّت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند و زمانهای معین و حدود مسکنهای ایشان را مقرر فرمود تا خدا را طلب کنند که شاید او را تفّحص کرده، بیاند، با آنکه از هیچ یکی از ما دور نیست. زیرا که در او زندگی و حرکت وجود داریم چنانکه بعضی از شعرای شما نیز گفته‌اند که از نسل او می‌باشیم.<sup>29</sup> پس چون از نسل خدا می‌باشیم، نشاید گمان برد که الوهیت شباخت دارد به طلا یا نقره یا سنگ منقوش به صنعت یا مهارت انسان.<sup>30</sup> پس خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده، الان تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند.<sup>31</sup> زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه او را از مردگان برخیزاند.

وَعَصْنُ: إِنَّهُ يَظْهَرُ مُتَادِيًّا بِاللَّهِ عَرِيبَةً، لَأَنَّهُ كَانَ يُسْتَرُّهُمْ يَسْتُوْعَ وَالْقِيَامَةِ. فَأَخَدُوهُ وَذَهَبُوا إِلَيْهِ أَرْبُوْسَ يَأْغُوْسَ قَائِلِينَ: هُلْ يُمْكِنُنَا أَنْ يَهْرِفَ مَا هُوَ هَذَا الْبَقِيلِمُ الْجَدِيدُ الَّذِي تَكَلَّمُ يَهُ؟ لَأَنَّكَ تَأْتِي إِلَيْنَا مَسَايِعَنَا يَأْمُورُ عَرِيبَةَ فَتَرِيدُ أَنْ تَعْلَمَ مَا عَسَى أَنْ تَكُونَ هَذِهِ، أَمَّا الْأَيْنِيَّوْنَ أَجْمَعُونَ وَالْغُرْبَاءُ الْمُسْتَوْطِلُونَ قَلَّا يَتَفَرَّغُونَ لِشَيْءٍ أَخْرَى إِلَّا لَأَنْ يَتَكَلَّمُوا أَوْ يَسْمَعُوا شَيْئًا حَدِيثًا.<sup>19</sup>

فَوَقَفَ بُولِسُ فِي وَسْطِ أَرْبُوْسَ يَأْغُوْسَ وَقَالَ: أَيْهَا الرِّجَالُ الْأَيْشِيُّونَ، أَرَاكُمْ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ كَانُكُمْ مُنْدَبِّيُونَ كَثِيرًا.<sup>23</sup> لَأَنِّي بَيْنَمَا كُنْتُ أَجْنَارُ وَأَنْطَرُ إِلَى مَعْنُودَاتِكُمْ وَجَدْتُ أَيْضًا مَذْبِحًا مَكْتُوْبًا عَلَيْهِ: لَأَلَّهِ مَجْهُولُ. فَالَّذِي تَسْفُونَ وَأَنْتُمْ تَحْفَلُوْتُهُ، هَذَا أَنَا أَتَادِي لَكُمْ بِهِ، إِنَّهُ رَبُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، لَا يَسْكُنُ فِي هَيَّاكلَ مَصْنُوعَةٍ بِالْأَيَادِي،<sup>25</sup> وَلَا يُحْدِمُ بِإِيَادِي النَّاسِ كَانَهُ مُحْتَاجٌ إِلَى شَيْءٍ، إِنَّهُ يُعْطِي الْجَمِيعَ حَيَاةً وَفَقْسًا وَكُلَّ شَيْءٍ.<sup>26</sup> وَصَنَعَ مِنْ دَمٍ وَاحِدٍ كُلَّ أُمَّةٍ مِنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ عَلَى كُلِّ وَجْهِ الْأَرْضِ وَحْتَمَ بِالْأَوْقَاتِ الْمُغْيَيَّةِ وَيُحْدُودُ مَسْكِنَهُمْ، لِكَيْ يَطْلُبُوا اللَّهَ لَعَلَّهُمْ يَتَلَمَّسُونَهُ فَيَجِدُوهُ، مَعَ أَنَّهُ عَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْيَسَنِ بَعِيدًا.<sup>28</sup> لَأَنَّهُ يَهُ تَحْيَا وَتَحْرَكُ وَتُوْجَدُ، كَمَا قَالَ بَعْضُ شُعَرَائِكُمْ أَيْضًا، لَأَنَّهُ أَيْضًا ذُرَيْثُ. قَدْ تَحْنَ ذُرَيْثَ اللَّهِ لَا يَبْيَغِي أَنْ تَطْنَنَ أَنَّ الْلَّاهُوْتَ شَيْبَهُ يَدْهَبِ أَوْ فِصَّةً أَوْ حَبَّرَ تَفْشِ صِنَاعَةً وَاخْتِرَاعَ إِنْسَانٍ. فَاللَّهُ الْآنَ يَأْمُرُ جَمِيعَ النَّاسِ فِي كُلِّ مَكَانٍ أَنْ يَتَوَبُوا مُتَعَاصِيَا عَنْ أَرْمَةِ الْجَهَلِ.<sup>31</sup> لَأَنَّهُ أَقَامَ يَوْمًا هُوَ فِيهِ مُرْمُعٌ أَنْ يَدِينَ الْمَسْكُوْنَةَ بِالْعَدْلِ يَرْجُلِ قَدْ عَيْنَهُ مُقَدَّمًا لِلْجَمِيعِ إِيمَانًا إِذَا أَقَامَهُ مِنَ الْأَمْوَاتِ.

وَلَمَّا سَمِعُوا بِالْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ كَانَ الْبَعْضُ يَسْتَهِزُونَ وَالْبَعْضُ يَقُولُونَ: سَمِعْتُ مِنْكَ عَنْهُ هَذَا أَيْضًا،<sup>33</sup> وَهَكَذَا خَرَجَ بُولِسُ مِنْ وَسَطِهِمْ. وَلَكِنَّ أَنَا سَأَالُهُمْ التَّصْفُوا بِهِ وَأَمْتُوا، مِنْهُمْ دِيُونِيَّوْسُ الْأَرْبُوْنَاغِيُّ وَأَمْرَأَهُ اسْمُهَا دَامِرِسُ وَأَخْرُونَ مَعَهُمَا.

چون ذکر قیامت مردگان شنیدند، بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند: مرتبه دیگر در این امر از تو خواهیم شنید.<sup>32</sup> و همچنین پولس از میان ایشان بیرون رفت.<sup>33</sup> لیکن چند نفر بد و بیوسته، ایمان آوردنده که از جمله ایشان دیوئنیسیوس آریویاغی بود و زنی که دامریس نام داشت و بعضی دیگر با ایشان.